

تأسیس شعبه ویژه در دادستانی انقلاب اسلامی

برهان

دیروز، بیست و ششم آبان ماه اعلام شد که شعبه ویژه‌ای در دادگاه انقلاب اسلامی تهران بمنظور رسیدگی به تخلفات و نقض سیاست‌های کلی نظام از سوی افراد حقیقی و حقوقی اختصاص یافته است.

در توضیح این خبر گفته شد: «در پی تصمیم جلسه مسئولان عالی‌رتبه قضائیه، مبنی بر لزوم حسن اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی و اعمال سیاست‌های رهبر معظم انقلاب، کمیته‌ای زیر نظر دادستان کل کشور تشکیل شد».

در ادامه این خبر آمده است:

«در اولین جلسه این کمیته، تدبیر برای برخورد قانونی با اقدامات غیر قانونی و نقض سیاست‌های مصوب مقام معظم رهبری در شوراها و ذریع و مَصْرَح در قانون اساسی، بعنوان اولویت کاری کمیته مذکور معرفی شد».

از جمله وظائف این کمیته، «تدبیر نظارتی و قضائی در جهت اجرای صحیح سیاست‌های مصوب مقام رهبری و بررسی حرکات، مواضع و اقدامات متضاد با مصالح ملی و منافع حیاتی کشور و اقدامات پیشگیرانه مناسب با اینگونه جرائم»، اعلام شده است.

چنانچه از متن و توضیح خبر آشکار است، قوه قضائیه نهاد ویژه‌ای ایجاد کرده است که از این پس هر شخص حقیقی و یا حقوقی را که غیر از نظرات رهبر و غیر از سیاست‌های نهادهای غیر انتخابی قدرت، همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام (که نام «مصالح ملی» به آن داده می‌شود)، شورای عالی امنیت ملی، و حتا شورای نگهبان و نظایر آن حرفی بزند، تحت تعقیب قرار دهد و مجازات کند. همانطور که در خبر آمده است، کار این نهاد جدید، نه تنها «بررسی حرکات و مواضع و اقدامات» اشخاص حقیقی و حقوقی است تا اگر خلاف نظرات رهبر، و نهادهای انتصابی او اظهار نظری کردند، آنان را مجازات کند، بلکه «اقدامات پیشگیرانه مناسب با این جرایم» هم از وظائف این نهاد ذکر شده است.

همانطور که در ماجرای توقیف «فلّه‌ای» مطبوعات دیده شد، تعطیل مطبوعات پیش از هرگونه محاکمه و احراز جرمی از جانب آنان، «اقدام پیشگیرانه» عنوان شد.

این تصمیم نظارتی قوه قضائیه و تشکیل کمیته‌ای با اهداف یاد شده را باید گام کیفی تازه‌ای از تهاجم استبداد مطلقه دانست که مضمون آن تضمین تبعیت مطلق نهادهای انتخابی از نهادهای غیر انتخابی و انتصابی؛ ممنوع کردن هر نوع اظهار نظر خلاف نظرات ولی فقیه و نیز مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی امنیت، از سوی رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس، سخنگویان فراکسیون‌های پارلمانی، مطبوعات و مردم است. یعنی وقتی رهبر در موردی حکمی داد، هر صدائی از هر کس در می‌آید، باید فقط پژواک صدای او باشد، و دیگر نباید مانند قتل‌های زنجیره‌ای بشود که او گفت کار، کار دشمنان خارجی بوده است، ولی عده‌ای دنبال سرنخ‌ها در داخل گشتند و رسوائی وزارت اطلاعات پیش آمد و کار به جاهای باریک کشید.

به نظر می‌رسد که تصمیم به این نظارت قوه قضائیه و تشکیل این کمیته جدید و شعبه‌ای در دادستانی انقلاب، برخلاف آنچه عنوان شده است، تصمیمی است که نه در اجلاس مسئولان عالی‌رتبه قضائیه، بلکه در اجلاس خود رهبر با رفسنجانی و هاشمی شاهرودی گرفته شده است. این تصمیم در شرایطی گرفته شده است که موقعیت بین المللی رژیم در رابطه با متهم بودن از سوی غرب به حمایت از تروریسم و عواقب خودداری از شرکت در ائتلاف ضد تروریستی، مشاهده سقوط سریع رژیم طالبان در همسایگی از یک طرف؛ و عصیان پیاپی جوانان و امواج اعتراضات کارگری و پیش‌لرزه‌های یک خیزش عمومی در داخل کشور از طرف دیگر، بسیار شکننده است.

در شرایطی که جناح تمامیت خواه در آسیب پذیرترین موقعیت داخلی و بین المللی خود قرار گرفته است، جناح

موسوم به «اصلاح طلب»، فرصت را برای ایراد فشار و واداشتن رقیب به پاره‌ای عقب نشینی‌ها مناسب یافته است. رئیس جمهور اخطار قانون اساسی به رئیس قوه قضائیه می‌دهد؛ مجلسیان صدایشان را بلند می‌کنند؛ در رابطه با مبارزه با تروریسم و همکاری با غرب در این زمینه، در رابطه با استفاده از فرصتی که برای مذاکره رسمی با آمریکا بوجود آمده است، و خلاصه در رابطه با مسائل حیاتی چندی از این دست، میان دو جناح، اختلاف و ناهمبانی، آشکار است. از یک طرف، جناح موسوم به «اصلاح طلب» در پی آن است که ابتکار عمل را به دست بگیرد و خط خود را به پیش ببرد؛ و از طرف دیگر توده‌های مردم دارند عرض اندام می‌کنند و شعار «مرگ بر طالبان!» در داخل کشور دارد طنین افکن می‌شود.

ایجاد شعبه ویژه‌ای در دادستانی انقلاب برای محاکمه و مجازات اشخاص حقیقی و حقوقی که «حرکات، مواضع اقدامات» شان به تشخیص کمیته جدیدالتاسیس، ناقض منویات و سیاست‌های رهبری یا مصوبات نهادهائی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی باشد، و نیز «اقدام پیشگیرانه مناسب با این جرائم»، یک «تدبیر» فاشیستی بی سابقه در خود جمهوری اسلامی و بی مانند در هر حکومت فاشیستی است، به قصد تابع کردن مطلق و بی چون و چرای همه نهادهای انتخابی، همه جناح‌های حکومتی، همه اپوزیسیون داخلی، همه رسانه‌ها و مطبوعات، و همه آحاد مردم، از منویات و نظرات ولی فقیه و سیاست‌های نهادهای انتصابی او. هدف این است که به این وسیله، سر رشته‌ها را که دارد در اوج تعرض شان از دست‌شان به در می‌رود، دوباره به دست بگیرند. ایجاد این شعبه ویژه قضائی، چیزی نیست جز تعرض جنون آسای هیولای استبداد، در شرایطی که در شکننده ترین وضعیت، تمامی جامعه را در تعارض و مخالفت آشکار و بی پرده با خود می‌بیند.

اما این «تدبیر» فاشیستی در شرایطی که جامعه بطور یکپارچه برای آزادی و دموکراسی و رهائی از حکومت دینی در غلیان است، در عمل، از یک طرف تضادهای درونی حکومت را شدت می‌بخشد و قدرت مهار مردم را توسط آنان باز هم کاهش می‌دهد؛ و از طرف دیگر، محرک بسیار نیرومند دیگری برای گسترش و شدت نافرمانی مدنی و ابراز هرچه علنی‌تر مخالفت اجتماعی با حکومت دینی خواهد شد.